

روشهای بصیرت افزای امام رضا علیه السلام در مواجهه با فتنه و دلالتهای آن برای جامعه امروز معصومه مقیمی فیروز آباد^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۱۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۱۹

چکیده:

اسلام دین آگاهی و دانایی است و سراسر آیات قرآن و احادیث شریف، فراخوان دانایی و شناخت است. بنابراین اصل تردید ناپذیر در هر کار، نخست شناخت ابعاد جامع آن است. به گواهی تاریخ، بصیرت عاملی است که بیش از هر عامل دیگری در موفقیت و یا ناکامی جریانات نقش داشته است. بنا به فرموده امام رضا(ع)، یکی از خصائلی که موجب کمال می شود بصیرت است. لذا با توجه به جایگاه خطیر بصیرت و آثار و پیامدها و نقش آن در عبور سالم از فتنه های آخرالزمان، این پژوهش با هدف شناسایی روشهای بصیرت افزا از منظر امام رضا(ع) و نحوه الگوگیری از آن در جامعه امروز با رویکرد کیفی انجام شد. در بخش اول به شیوه پژوهش تاریخی از طریق تحلیل اسنادی و در بخش دوم جهت مشابهت یابی وقایع فتنه دوران امام رضا(ع) با شرایط جامعه امروز و ارائه الگوی راهبردی، به شیوه تطبیقی استنتاجی صورت پذیرفت. در این پژوهش ابتدا با مراجعه به منابع و روایات، نوع مواجهه امام رضا(ع) در برابر فتنه های زمان خویش به خصوص فتنه واقفیه، شناسایی گردید و ملاحظه شد که تمامی این روشها در آیات و روایات در زمره مولفه های بصیرت آفرین است: تبیین جایگاه امامت و ولایت، تبیین و تاکید بر تولی و تبری، ایجاد شبکه تبلیغی دارای خط فکری قدرتمند، تاکید بر نشر احادیث مستند و برپایی حلقه های حدیث، جلسات مناظره و دعوت به تفکر و تعقل و تمسک به قرآن کریم. سپس با مشابهت یابی دوران امام رضا(ع) و زمان حال راهکارهای متناسب با مواضع امام رضا(ع) در دوران خویش، برای جامعه امروز ارائه گردید که می توان گفت تمامی راهبردهای شناسایی شده ذیل مفهوم محوری "جهاد تبیین" قابل جمع است.

واژگان اصلی: امام رضا(ع)، بصیرت، فتنه.

۱. استادیار گروه علوم تربیتی مرکز نسبیة دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

مقدمه و بیان مسئله

برای عبور از فتنه های آخرالزمان و آمادگی جهت یاری حضرت حجت(ع) و انتظار واقعی باید بصیرت داشت. بررسی اجمالی حوادث تاریخ اسلام از دوران پیامبر و ائمه معصومین تا عصر حاضر نشان می دهد آنچه بیش از هر عاملی در موفقیت و یا ناکامی جریانات نقش داشته است بصیرت نخبگان و مردم جامعه بوده است. هر زمان که رفتارها، تصمیمات و موضع گیری ها بدون بصیرت بوده است انحرافات سیاسی و اعتقادی را به دنبال داشته است. در بحبوحه جنگ صفین هنگامی که بی بصیرتان مقابل حضرت امیر علیه السلام ایستادند، آن حضرت جمله ای فرمودند که نقش بصیرت را در استقامت و پایداری و توان تحلیل و شناخت حق و باطل مخصوصاً در میدان مبارزه و جهاد و شبهات و فتنه ها به خوبی نشان می دهد:

وَلَا يَحْمِلُ هَذَا الْعِلْمُ إِلَّا أَهْلُ الْبَصْرِ وَالصَّبْرِ (خطبه ۱۲۴: ۲۳۸).

این پرچم مبارزه را به دوش نمی کشد مگر آن کس که اهل بصیرت و صبر باشد. بنا به فرموده مولای متقیان تنها کسانی می توانند پرچم داران هدایت و یاران مهدی (عج) باشند که اهل بصیرت و صبر هستند فتنه های آخرالزمان چنان حق و باطل را ممزوج خواهد کرد که تنها افراد بصیر می توانند به سلامت از آن ها عبور کنند. بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران (ره)، سعادت انسان را در گرو بصیرت او معرفی نموده و تصریح داشته اند:

" آنچه در انسان سعادت را ایجاد می کند بصیرت انسان است و من امیدوارم که شماها بصیرت به طور کامل داشته باشید" (صحیفه نور، ج ۱۰: ۸).

ایشان راه سلامت عبور از فتنه ها را نیز به مدد بصیرت میسر می دانستند و فرمودند: " ان شاء الله ملت عزیز ما با بصیرت و هوشیاری جواب همه فتنه ها را خواهد داد" (همان، ج ۲۰: ۲۴۱).

رهبری معظم انقلاب نیز در ارتباط با ضرورت وجود بصیرت می فرمایند: " بصیرت قطب نمای حرکت صحیح در اوضاع اجتماعی پیچیده امروز است به گونه ای که اگر کسی این قطب نما را نداشت و نقشه خوانی بلد نبود ممکن است ناگهان خود را در محاصره دشمن ببیند. انسان حتی با نیت خوب ممکن است گمراه شود و در راه بد قدم بگذارد" (بیانات در جمع مردم چالوس و نوشهر، ۱۳۸۸).

هنگامی که رویدادها و شرایط دوران امام رضاع(ع) با رویدادها و شرایط دوران حاضر

سنجیده شود شباهت هایی مشاهده می شود که باعث می گردد به بازخوانی و بازشناسی راهکارهای امام رضا(ع) در مواجهه با مشکلات، بیش از پیش پرداخته شود. دوران امام رضا (ع) با فتنه های مختلفی از جمله فتنه واقفیه همراه بود. تاسیس یک فرقه منحرف در شیعه شباهت جدیدی را در مسئله امامت در مجموعه های درون مذهبی شیعه ایجاد کرد و این شباهت علنی هم شد. پیدایش این شباهت و انحراف در برخی وکیلان و نمایندگان امام کاظم (ع) سبب شد زمینه برای تبیین مسئله امامت بیش از پیش فراهم شود. نوع مواجهه امام رضا علیه السلام در این شرایط می تواند برای امروز ما درس آموز باشد و در راستای بصیرت آفرینی الگو قرار گیرد. وقتی بحران واقفیه را از جهت نوع مواجهه امام رضا (علیه السلام) مورد مطالعه قرار می دهیم، متوجه می شویم که این فتنه از قبل با بیشترین جزئیات مورد پیش بینی قرار گرفته بوده و در برابر این ضعف داخلی که بستر ساز پیدایش ریزش و تهدید شد، از سوی امام تبدیل به قوانین عبرت آیندگان و نجات قربانیان گردید تا در آینده الگویی باشد برای شیعه در مواجهه با انبوه فتنه های پیش رویی که هر از چند گاهی انباشت تاریخی - اجتماعی - اقتصادی - فکری آنان می تواند منجر به ریزشی بزرگ از درون گردد (رضایی، ۱۳۹۷). بنابراین با توجه به جایگاه رفیع بصیرت از یک سو و از آنجا که دوران امام رضا علیه السلام نیز دوران فتنه ها بود، جای آن دارد که روشهای بصیرت افزای ایشان در مواجهه با مهمترین فتنه زمان خویش مورد واکاوی قرار گیرد و در جامعه امروز الهام بخش و الگو باشد. این پژوهش درصدد است به این سوال پاسخ گوید که مهمترین روشهای امام رضا(ع) در مواجهه با فتنه در راستای بصیرت افزایی چه بود؟ و چه راهکارهای عملیاتی از این روش ها برای جامعه امروز قابل الگوگیری است؟ باشد که پاسخ به این پرسشها گامی باشد در راستای احیای امر اهل بیت علیهم السلام که دستور رسیده از مولا امام رضاست.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

بصیرت

در لغت نامه دهخدا بصیرت، بینایی دل معنا شده است یعنی دانایی و زیرکی. بصیرت را به معنای روشن بینی، روشندلی، درک عمیق، چراغ راه و قطب نمای جهت حرکت نیز دانسته اند. بصیرت چشم بینای دل و نور افکن برای تشخیص راه درست از نادرست و تشخیص حق از باطل است (سعیدی شاهرودی، ۱۳۸۸: ۲۱۰).

قرآن کریم می فرماید:

به راستی رهنمودهایی از جانب پروردگارتان برای شما آمده است پس هرکس به دیده بصیرت بنگرد به سود خود اوست و هر کس از سر بصیرت ننگرد به زیان خود او و من بر شما نگهبان نیستم (انعام: ۱۰۴).

در قرآن کریم واژه بصیرت و مشتقات آن فراوان آمده است. بصیرت با کنار زدن حجاب ها و پرده ها حاصل می شود و در اصطلاح علمی که باور انسان را به گونه ای شکل دهد که گویی حقیقت را بی هیچ واسطه ای می بیند و در می یابد (مظفری، ۱۳۹۸). بصیرت به این معناست که انسان در زندگی اش، خود، هدف و نیروها، امکانات، همراهان، دوستان و دشمنان و موافقان و مخالفانش را بشناسد و با عوامل موفقیت و بازدارنده آشنا باشد و اگر در راهی قدم میگذارد بداند که فرجام این راه چیست و به کجا منتهی می شود. کسی که فاقد این بینش باشد چه بسا همه سرمایه عمرش صرف راه و هدفی میشود که برخلاف سعادت اوست (محدثی، ۱۳۹۰).

• فتنه

از نگرش قرآن جامعه حق واحد است و در برابر آن همواره جریانهای تودرتو و گوناگونی از باطل وجود دارد: وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السَّبِيلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ ذَلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ (۱۵۳: انعام).

اینک پس از متکثر بودن باطل و درجه بندی آن، شاخصه دیگر آن مخلوط بودنش با حق و بلکه گاه غلبه حق در این ترکیب است. و بلکه از دیدگاه امام اتفاقاً در نقطه شروع فتنه، گاه چنان باطل با حق نزدیک است که نقطه اختلاف تنها در یکی دو مورد است. ولی وقتی همین یکی دو مورد رشد یافت تبدیل به دامنه‌ای از فاصله‌ها و جدائی‌ها می‌گردد. امام علی (علیه السلام) در این باره می‌فرماید:

همانا ابتدای ظهور فتنه‌ها هوایی است که پیروی می‌شود، و احکامی که در چهره بدعت خودنمایی می‌کند، در این فتنه‌ها و احکام با کتاب خدا مخالفت می‌شود، و مردانی دیگر را بر غیر دین خدا یاری و پیروی می‌نمایند. اگر باطل از آمیزش با حق خالص می‌شد راه بر حق جویان پوشیده نمی‌ماند. و اگر حق در پوشش باطل پنهان نمی‌گشت زبان دشمنان یابو گواز آن قطع می‌گشت. ولی پاره‌ای از حق و پاره‌ای از باطل فراهم شده و درهم آمیخته می‌شود، در این وقت شیطان بر دوستانش مسلط می‌شود، و آنان که لطف حق شاملشان شده نجات می‌یابند. «نهج

در طول ۲۵۰ سال دوران حضور امامان در جامعه اسلامی، یکی از سخت‌ترین فتنه‌ها برای جریان فکری و اجتماعی شیعه که از الگوی ریزش از درون تبعیت می‌کند، بحران و فتنه واقفیه است. چرا که در مقایسه بین این فتنه با جریانی همانند سقیفه و یا پیدایش دیگر فرقه‌های انحرافی، این جریان از عمق و داخل خواص شیعی برخاسته است. آخرین فرقه بزرگ و مهمی که از امامیه جدا شدند، فرقه واقفیه بودند که بر امامت حضرت امام موسی کاظم (علیه السلام) توقف کرده و منکر امامت حضرت رضا (علیه السلام) شدند (مفید، ۲۸: ۱۴۱۴).

بنابراین نقطه شروع واقفیه از آنجا بود که امام رضا (علیه السلام)، با ارسال نامه‌ای، از تمامی وکلای پدرش خواست که آنچه از اموال نزدشان جمع شده است، نزد ایشان بفرستند. همه‌ی وکلای چنین کردند مگر چند نفر از وکیلان بسیار مهم و برجسته. در اصطلاح فرقه‌شناسی و نیز در متون رجالی واقفیه به افرادی گفته می‌شود که رحلت حضرت موسی بن جعفر (علیه السلام) را منکر شده، هیچ کس را به عنوان جانشین آن حضرت نپذیرفتند (نوبختی: ۸۲ به نقل از رضایی، ۱۳۹۷).

مروری بر پژوهش‌های انجام شده نشان می‌دهد که اکثر پژوهش‌های مرتبط به احصاء مولفه‌ها از منظر قرآن کریم و نهج البلاغه و... پرداخته اند که به برخی از آنها اشاره می‌گردد. ایمانی فر (۱۳۹۸)، رابطه بصیرت و تقوا را با روش توصیفی تحلیلی از منظر قرآن کریم مورد بررسی قرار داده است و به این نتیجه رسیده است که روزه، تبعیت از صراط مستقیم، عبادت پروردگار، عمل به قرآن، انجام دستورات الهی، ذکر و انذار از صفاتی هستند که باعث افزایش تقوا می‌شوند. تقوا یک ویژگی انسانی است که از صفات گوناگون تشکیل شده است که جمع بعضی از این صفات نظیر اهل عبرت بودن و توانایی دیدن آیات خدا، اولوالابصار یا صاحبان بصیرت را می‌سازد. شمولی و همکاران (۱۳۹۴)، در مقاله‌ای با عنوان "بصیرت‌گرایی و بصیرت‌افزایی، راهبردی اساسی در مقابله با جنگ نرم" به تبیین بصیرت‌افزایی به عنوان اساسی‌ترین راهبرد می‌پردازد و با استفاده از مبانی نظری و با تاکید بر نظریه‌های مقام معظم رهبری، راهبردها و راهکارهایی موثر به منظور پیشگیری و مقابله با آثار و پیامدهای زیان بار جنگ نرم ارائه می‌دهد. حسین زاده و پوریوسف (۱۳۹۴)، به موضوع بصیرت و کارکردهای آن از منظر قرآن کریم، از طریق تحلیل محتوا و بررسی بنیادی پرداخته اند. توفیق الهی، تفکر، تقوا، زهد، یاد خدا، اخلاص، خضوع و خشوع و... از جمله وسایل دستیابی به بصیرت دینی عنوان شده است. مصلاهی پور و محمدی (۱۳۹۳)، مولفه‌های معنایی

بصیرت در نهج البلاغه را با رویکرد همنشینی و جانشینی بررسی نموده اند و دریافته اند که با واژه هایی همچون اعتبار، تقوی، زهد، عشق و آرزوها هم نشین شده و با واژه های لب، توسم، امام و پیشوا و قلب سلیم رابطه جانشینی دارد. آقاپیروز (۱۳۹۱)، در پژوهش شاخصهای بصیرت در رهبری امام خمینی (ره)، مهم ترین شاخصهای رهبری بصیر را مورد توجه قرار داده است که عبارتند از: دوراندیشی، داشتن چشم انداز و ارائه طرحی برای آینده، شناخت ماهیت جریانها و هوشیاری در مواجهه با آنها، شناخت افراد صالح و ناصالح، دشمن شناسی و شناخت توطئه های دشمن و وظیفه شناسی. برهان (۱۳۹۰)، در پژوهشی به جستجوی مولفه های بصیرت با استفاده از جریانات و وقایع تاریخ اسلام پرداخته است و به مولفه هایی نظیر شناخت یقینی، ایمان و باور قلبی، مهار گرایشهای منفی و تشخیص مصادیق حق دست یافته است. همچنین اشتباه در تشخیص مصادیق حق از باطل را در این امور می داند: مشتبه سازی، شخصیت زدگی، فضای آلوده، اثرپذیری از نزدیکان، جزئی نگری و دوری از واقعیتهای اجتماعی. در یک جمع بندی مشخص گردید که روشهای بصیرت آفرینی از منظر امام رضا (ع)، همراه با یافتن دلالتهای آن برای عصر حاضر، یافت نشد و پژوهش حاضر به این مهم می پردازد.

روش پژوهش

این پژوهش به لحاظ ماهیت، کیفی و از منظر هدف، کاربردی است. در بخش نخست جهت شناسایی روشهای بصیرت افزای امام رضا (ع) در مواجهه با فتنه واقفیه، از روش تاریخی استفاده گردید. پژوهش تاریخی کاربرد روش علمی در مسائل تاریخی است و جست و جوی منظمی است در اسناد و مدارک و منابع دیگری که در زمینه ی مرتبط با سوال محقق درباره گذشته، حاوی حقایقی هستند (دلاور، ۱۳۹۱: ۸۴). بنابراین جهت تحلیل اسنادی در این پژوهش، منابع مرتبط با موضوع شناسایی شده و از طریق نمونه گیری هدفمند، به گزینی منابع انجام شد. سپس با تعمق در منابع و روایات رضوی (ع)، داده های گردآوری شده با استفاده از شیوه های کیفی طبقه بندی گردید. در بخش دوم با روش تطبیقی، آسیب های فتنه واقفیه با چالشهای جامعه امروز و فتنه های اخیر مقایسه و مقابله شد و با اثبات نزدیکی ماهوی آسیب ها و اهداف جریان فتنه، با روش استنتاجی، نوع الگوگیری و راهکارهای عملیاتی جهت بصیرت افزایی و روشننگری در جامعه امروز، ارائه گردید.

یافته های پژوهش

بصیرت مولود عوامل عمیق نهفته در لایه‌های درون آدمی است که بدون آنها انبوه اطلاعات صرفاً لایه‌ای غیر قابل اعتماد از دانایی برای انسان ایجاد می‌نماید و یا ممکن است خود، عامل گمراهی و تیره روزی او گردد. با رجوع به منابع دینی مشخص می‌شود که تمامی روشهای امام رضا(ع) در زمره مولفه‌های بصیرت آفرین و در راستای بصیرت افزایشی بوده است. ولایت مداری، تولی و تبری، تفکر و تعقل، تمسک به قرآن کریم و... از مهمترین مولفه‌های بصیرت آفرینی می‌باشد.

الف. روشهای امام رضا(ع) در مواجهه با فتنه در راستای بصیرت افزایشی

۱. تلاش در جهت تبیین جایگاه ولایت

همانطور که عنوان شد برای در امان ماندن از فتنه‌های آخرالزمان باید بصیرت کسب کرد و برای کسب بصیرت باید به ریسمان توحید چنگ زد. ریسمان توحید همان ائمه معصومین علیهم السلام هستند. اساسی ترین مسئله دین ولایت است. ولایت نشانه توحید است. ولایت مداری و بصیرت آمیختگی معنایی دارند و جدا انگاری آنها پیامد های زیانباری به دنبال دارد (ابراهیم زاده آملی، ۱۳۸۹). پیوند میان توحید و ولایت چنان عمیق است که امام رضا علیه السلام در حدیث مشهور سلسله الذهب در مسیر راه طوس در شهر نیشابور از اجداد طاهرینش تا رسول خدا و او از جبرئیل و جبرئیل از خداوند متعال نقل کرده که فرمود: "کلمه توحید دژ استوار و پناهگاه امن و نجات بخش من است و هر کس در آن داخل شود نجات می یابد. اما توحید با شرایطش. امامت من نیز از شرایط آن است: بشرطها و شروطها و انا من شروطها" (عیون اخبار الرضا، ج ۲: ۱۳۵). لذا رسیدن به توحید بدون اهل بیت محال است. اگر کسی وارد بیوت نبی اکرم شد هدایت الهی در آنجا نازل می شود به او اجازه ذکر و حضور و رشد و قدم برداشتن در وادی توحید را می دهند. اگر وارد این خانه ها شدی "فی صلاتهم دائمون" (معارج: ۲۳) و "لا تلهیهم تجاره ولا بیع عن ذکرا لله" (نور: ۳۷)، می شوید. این وادی وادی ایمن و وادی توحید است که خارج از این وادی وادی شرک و عذاب است "فمن دخل حصنی امن من عذابی".

سیرما در این وادی توحید حد یقف ندارد هرچه در این خانه های نبی اکرم بالا برویم درهای دیگری از خانه گشوده می شود. اگر در حرم امام رضا علیه السلام میگوییم: "اللهم انی وقفت علی باب من ابواب بیوت نبیک" و اجازه می گیریم و وارد حریم امام رضا علیه السلام می شویم در واقع به اندازه‌ای که اجازه میدهند وارد می شویم حرم امام هم ملکوت عالم است این حرم تا فوق

عرش الهی است. در روایت داریم اگر کسی امام رضا علیه السلام را زیارت کند "کمن زارالله فی عرشه" (کافی، ج ۴: ۶۸۵). یعنی حرم امام رضا علیه السلام تا عرش حضور دارد بنابراین اگر در حرم اهل بیت علیه السلام وارد شویم اجازه رفعت پیدا میکنیم اینجاست که بدون معرفت درک درست از ولایت نبی مکرم و ائمه علیهم السلام و شناخت دقیق و جایگاه آنان نمی توان به شناخت درستی از خداوند دست یافت و شالوده یک ایمان راستین و استوار را پایه ریزی کرد. لذا ورود به وادی توحید به معنی ورود به وادی ولایت نبی اکرم و اهل بیت علیهم السلام است. سیر در مقامات توحید یعنی سیر در درجات نورانیت نبی اکرم و اهل بیت علیهم السلام که مثل نور خداست. مشکل سقیفه همین یک کلمه بود که اهل بیت را از این وسط برداشتند شریعت بدون امام می شود پوسته بی معنایی. هزار سال نماز خوانده و عبادت کرده است و یک قدم هم آدم را جلو نمی برد دیگر به توحید نمی رسد اما اگر کسی از طریق وادی امام رفت به خدای متعال می رسد به شفاعت امام و مقامات توحید میرسد "بِنَاعِبُدَ اللّٰهَ وَ بِنَا عُرْفَ اللّٰهِ" (بصائر الدرجات، ج ۱: ۶۴) به نقل از میرباقری، (۱۳۹۹). در عصر غیبت امام معصوم علیه السلام نیز طبق قانون اساسی و به پشتوانه اعتقاد شیعه ولایت فقیه تداوم بخش ولایت و امامت ائمه علیه السلام در عصر غیبت امام معصوم است.

۲. تبیین جایگاه تولی و تبری

شاید هیچ مسئله و موضوعی در اسلام نداشته باشیم که به لحاظ عظمت و اهمیت شمول به سطح مسئله "تولی و تبری" باشد و در عین حال به همان نسبت مورد غفلت و بی توجهی قرار گرفته باشد و دچار مهجوریت شده باشد. موضوعی که از فرط عظمت عصاره و خلاصه تمام اسلام باشد و از فرط مهجوریت بزرگترین فاجعه باشد (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۳: ۲۱۵).

روایتی از امام رضا علیه السلام درباره‌ی "فتنه و ارتباط آن با تولی و تبری" آمده است که

می فرمایند:

"إِنَّ مَمَّنْ يَتَّحِلُّ مَوَدَّتَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ، مَنْ هُوَ أَشَدُّ فِتْنَةً عَلَى شِيعَتِنَا مِنَ الدَّجَالِ. فَقُلْتُ: بِمَاذَا؟ قَالَ: بِمَوَالَاتِ أَعْدَائِنَا وَ مَعَادَاةِ أَوْلِيَائِنَا. إِنَّهُ إِذَا كَانَ كَذَلِكَ، اخْتَلَطَ الْحَقُّ بِالْبَاطِلِ وَ اشْتَبَهَ الْأَمْرُ فَلَمْ يُعْرَفْ مُؤْمِنٌ مِنْ مُنَافِقٍ"

"همانا از کسانی که مدعی مودت ما اهل بیت هستند کسی هست که در فتنه‌گری، برای شیعیان ما از دجال شدیدتر است. (راوی) گفتیم: برای چه؟ (امام) گفت: به خاطر دوستی با دشمنان ما و دشمنی

با دوستان ما. چون چنین شد، حق با باطل آمیخته می‌شود و مؤمن از منافق باز شناخته نمی‌شود.

در این حدیث امام(ع) از فتنه ای صحبت می‌کند که از فتنه دجال شدیدتر است و شرایط را به گونه ای ایجاد می‌کند که حق با باطل آمیخته می‌شود و تشخیص آن بسیار سخت است اما یک راهکار اساسی برای شناخت فتنه نشان می‌دهند و آن اینکه طرف باطل با دشمنان اهل بیت دوستی می‌کند و با دوستان اهل بیت دشمنی. این ویژگی بهترین وسیله شناخت در شرایط فتنه است که ما می‌توانیم تشخیص دهیم حق و باطل کیست؟ طبق فرمایش امام هر طرفی که سراغ دشمنان اهل بیت رفت و با دوستان اهل بیت دشمنی کرد باطل است و باید از او تبری کرد و باز طبق فرمایش ایشان طرف باطل از منافقین خواهد بود اگرچه ظاهری بسیار مومن داشته باشد. در واقع امام با ذکر ویژگی مهم فتنه گران یعنی دوستی با دشمنان و دشمنی با دوستان پرده از ترفند آنان برداشته و معیار تشخیص حق و باطل را در فضای شبهه ناک بیان فرموده اند. بر این اساس کارآمدترین شاخص در این باره بصیرت در تمسک به دو اصل ولایت دوستان و براءت از دشمنان است. امام(ع) ریشه فتنه را ظاهرسازی منافقان بیان می‌کند که ادعای مودت اهل بیت را دارند در حالی که با دشمنان دوستی می‌کنند و این امر حقایق را بر کسانی که ولایت دوستان و براءت از دشمنان را معیار نمی‌گیرند می‌پوشاند. در چنین شرایطی فضای فتنه به وجود می‌آید و تشخیص مومن از منافق دشوار می‌شود. زیرا منافقان خود را مصلح دلسوز می‌نمایاند.

"آن چیزی که مشکل را ایجاد می‌کند همان فریب، همان غبار آلودگی فضا و همان چیزی است که در بیان امیرالمومنین علیه الصلاه والسلام است: ولکن یوخذ من هذا ضغث ومن هذا ضغث فیمزجان فهنالک یستولی الشیطان علی اولیائه" (آیت الله خامنه ای، ۱۳۸۸).

بنابراین دوستی با دشمنان که مبنای آن اعتماد به دشمن است یکی از علل بروز فتنه یعنی غبارآلود شدن فضای اذهان عمومی است.

ملاحظه می‌شود که توجه به مسئله تولا و تبرا بسیار حائز اهمیت است و روایات متعددی

از امام رضا(ع) به این امر خطیر اشاره دارد از جمله:

کمال دین در ولایت ما و بیزاری از دشمنان ماست (بحار، ج ۵۸: ۲۷).

شیعیان ما تسلیم امر و ولایت ما هستند به گفته ما عمل می‌کنند و دشمنان ما را دشمن می

دارند و در غیر این صورت پیرو ما نخواهند بود (مسند الامام الرضا، ج ۱: ۲۳۵).

هر کس دوست دارد بین او و خدا مانع و رادعی نباشد باید ولایت آل محمد علیهم السلام را

دارا باشد. از دشمنانشان بیزاری بجوید و از امام معصوم علیه السلام پیروی نماید(بحار، ج ۲۷: ۵۱). راهبرد عملیاتی که امام رضا علیه السلام در این ارتباط اتخاذ فرمودند مثل مرزبندی اجتماعی و تلاش جهت ممانعت از التقاط و اختلاط فکری فرهنگی در جامعه شیعی مصداق بارزی از اهمیت تبراست. برای نمونه امام به محمدبن عاصم فرمود: شنیدم با واقفیه نشست و برخاست داری. این کار را ترک کن. یا در جایی دیگر سلیمان ابن جعفر جعفری را سرزنش کرد که چرا با عبدالرحمن ابن یعقوب رفت و آمد می کند؟ او پاسخ داد: عبدالرحمن دایی من است. امام فرمود: ولی او عقاید باطلی درباره خداوند دارد یا با او باش یا با ما. جعفری پرسید اگر با او رفت و آمد داشته باشم ولی بر عقیده اش نباشم چگونه؟ امام فرمود: وقتی عذاب بیاید همه را با خود می سوزاند(رضایی، ۱۳۹۷).

نکته دیگری که باید در این ارتباط به آن اشاره کرد همراهی و اتحاد "تولی" و "تبری" در کنار هم است. به امام صادق (ع) عرض شد: فلانی از دوستان شما اهل بیت است ولی در برائت از دشمنان شما سست و ضعیف است. حضرت فرمودند: هرگز چنین چیزی ممکن نیست! کسی که از دشمن ما بیزار و متنفر نباشد در ادعای محبت ما دروغگو است(بحارالانوار، ج ۲۷: ۵۸).

تولا منحصر و محدود به امامان معصوم نیست بلکه تمام اخیار و نیکان از ذریه پیامبر و اهل بیت را شامل است و با توجه به ظرافت این امر توصیه و تاکید درباره آن فراوان است. غالباً درباره حضرت علی علیه السلام، بستگان و دوستان آن حضرت سفارش به تولا و پیوند دوستی شده است و مهمترین موارد تبری نیز عبارتند از کفار، نواصب، اهل فسق، مفسدان و... (ابراهیم نژاد، ۱۳۹۳). چنانچه امام رضا علیه السلام فرمود: دوستی با دوستان خدا واجب است همچنین دشمن داشتن و بیزاری جستن از دشمنان اولیای خدا و سرکردگان آنان واجب است(وسائل الشیعه، ج ۱۱: ۴۳۳ به نقل از محدثی، ۱۳۹۱).

همچنین فرمودند: کسی که ارتباط برقرار کند با کسی که با ما قطع رابطه کرده و یا قطع رابطه کند با کسی که با ما رابطه برقرار کرده یا مداح کسی باشد که از ما عیب جوئی میکند یا مخالف ما را اکرام نماید از ما نیست و ما از او نیستیم(عیون اخبار الرضا، ج ۲).

روایات رسیده از امام رضا علیه السلام در این باب فراوان است و نشان از اهمیت و حساسیت مسئله در نزد ایشان دارد که به فراخور ظرفیت این مقال به نمونه هایی بسنده گردید.

۳. ایجاد شبکه تبلیغی دارای خط فکری قدرتمند

امام(ع) در مرحله آغازین مواجهه و مبارزه با جریان فتنه که در واقع بنیان تمامی مراحل بعدی است دو برنامه را در دستور اجرا قرار می‌دهد: نشر روایات امام کاظم (علیه السلام) در زمینه نص بر امامت خود و احادیث ایشان در زمینه اطلاعات هشدار دهنده در مورد خطر واقفیه و در زمینه معرفی برخی سران تلاش برای جذب و فعال سازی برخی از خواص عالم و محدث در جغرافیای نفوذ جریان انحرافی.

ترکیب این دوگانه باعث شد تا از ایجاد اجماع در مسیر باطل جلوگیری به عمل آمده و با فعال شدن یک خط فکری قدرتمند، حقانیت حق به گوش قربانیان فریب برسد؛ و با این فعالیت به تدریج شبکه‌ای نیمه آشکار (به جهت رویکرد تهدید بیرونی) از فعالیت مبلغین جبهه حق فراهم گردد. بازتاب فعال سازی این شبکه تبلیغی، در دسترس سازی ضد اطلاعات است یعنی انتشار آن اطلاعاتی که نظام اطلاعاتی جریان فریب را مورد حمله قرار داده و مشروعیت آنان را به چالش می‌کشد؛ و بازتاب انجام این عملیات انتشار اطلاعاتی، تحقق خنثی سازی است (گلن ولز، لیلندزی مرن، دان فلیپ، ۱۳۹۳: ۳۲ و ۳۸)

این رویداد نشان از برنامه حساب شده امام در فعال سازی درست اندک یاران باقیمانده در امر ضد اطلاعات و ضد فریب بوده به گونه‌ای که به سرعت جریان انحرافی را در مراکز قدرت خود به عقب نشینی و انفعال وامی‌دارد؛ و بدین ترتیب بر جایگاه اجتماعی جریان انحرافی ضربه‌ای سنگین وارد می‌شود. بدین معنا که دیگر آنان جزو شیعه و جامعه شیعه دانسته نمی‌گردند؛ و به تبع این فاصله‌گذاری اجتماعی، طبعاً قدرت عظیم اقتصادی آنان هم در سطح وسیعی خنثی می‌گردد. بدین معنا که با کشف چهره باطنی این جریان فاسد دیگر زمینه‌ها برای تحقق فریب از راه تطمیع هم، در جامعه ایمانی به حداقل می‌رسد. البته هنوز برای جریان واقفیه یک سلاح و ابزار قدرتمند وجود دارد؛ و آن سلاح جنگ روانی و هجوم نرم پیوسته است. بدین معنا که آنان پس از پذیرش شکست‌های اجتماعی خود، تلاش می‌کنند حداقل این جامعه جذب نشده به سوی خدا را در پیروی از امام رضا (علیه السلام) در تحیر و یا تزلزل قرار دهند. پس آنان اتاق فکر جنگ نرم را راه‌اندازی می‌کنند؛ و در این راه مزیت آنان شخصیت علمی برخی از سران واقفیه در زمانه امام کاظم (علیه السلام) است که باعث می‌شود دستشان در معارف شیعی باز بوده و بسترهای تحریف و وارونه سازی را بهتر و بیشتر استفاده کنند. خصوصاً شخصیتی همانند علی بن ابی حمزه بطائنی که جوانی خدمتگزار و شاگرد امام کاظم (علیه السلام) بوده و سال‌ها محضر امام کاظم (علیه

السلام) را در خلوت و جلوت درک کرده است (خوئی، ۱۳۶۸: ۵۰۰-۴۸۷).

ولی امام با پیش بینی شکل فرایندی گرفتن تهدیدهای نرم، نه تنها خود و یارانش را آماده مواجهه با شبهه افکنی پیوسته واقفیه کرده، بلکه در یک مدیریت راهبردی کلان، این تهدید افزایشی نرم پیوسته را تبدیل به بستری برای غنی‌سازی فکری و علمی جامعه شیعه و ارائه الگوهای مواجهه کلان با تهدیدهای مشابه احتمالی در آینده می‌نماید.

۴. تاکید بر نشر احادیث مستند و برپایی حلقه های حدیث

با توجه به گسترش حلقه های حدیثی غیر شیعی و گروه های کلامی منحرف در آن دوران، امام (رضاع)، شیعه را به دقت کردن در اخذ حدیث توصیه می فرمودند.

امام (ع) به شاگرد همراهش ابو صلت هروی می فرمود:

رَحِمَ اللهُ عَبْدًا أَحْيَا أَمْرَنَا

خدای رحمت کند بنده ای را که امر (ولایت) ما را احیا کند

و ابو صلت که خود علاقه مند به زنده نگه داشتن امر ولایت بود، از چگونگی این مهم می پرسد و چنین می شنود:

يَتَعَلَّمُ عُلُومَنَا وَيَعْلَمُهَا النَّاسُ فَإِنَّ النَّاسَ لَوْ عَلِمُوا مَحَاسِنَ كَلَامِنَا لَاتَّبَعُونَا

علوم ما را فرا گیرد و به مردم بیاموزد؛ که اگر مردم زیبایی های کلام ما را می دانستند، از ما پیروی می کردند.

برپایی حلقه های متعدد حدیثی به وسیله اندیشمندان شیعی و در راس آنان امام علی بن موسی الرضا (ع) از ویژگی های این دوران است. علی رغم حرکت انحرافی واقفیان و وارد شدن لطمه به هویت و همبستگی شیعیان، گزارش های متعددی حاکی از مراجعات گسترده در این زمان به امام است. این گزارش ها نشان از آن دارند که مردم در مدینه، کوفه، منا و خراسان، مشتاقانه در جلسات امام (ع) شرکت می کردند.

از ویژگی های این دوران، آن است که جعل حدیث، افزون بر انتشار در سطح عموم جامعه، با عنوان محبت و منقبت گویی در حال رخنه کردن به درون جامعه شیعه بود، چنان که امام (ع) خود فرموده است:

"غالبان درباره جبر و تشبیه، اخباری منسوب به ما ساختند؛ غالبانی که عظمت الهی را کوچک جلوه دادند" (الاحتجاج، ج ۲: ۴۱۴).

در چنین شرایطی، امام رضا(ع) برای اصحاب خویش، سخنان پیامبر صلی الله علیه و آله و یا سخنان و دعاهای خود را تدوین می کرد و گاهی نیز به شاگردانشان املا می فرمود. گاهی این نگاشته ها به صورت حضوری برای درخواست کنندگان نوشته می شد و گاهی نیز در قالب نامه نگاری صورت می گرفت. عبد الرحمان بن ابی نجران می گوید: امام رضا(ع) حدیثی را از امام زین العابدین(ع) برای من نگاشت و سپس همان را قرائت کرد(بصائرالدرجات: ۱۱۹).

شیعیان نیز آموخته بودند که نگاشته های امام(ع) را برای یکدیگر نقل کنند

۵. جلسات مناظره

امام رضا(ع) با استفاده از جلسات مناظره تعاملات منطقه ای و فرامنطقه ای خود را افزایش دادند. مناظره ها و احتجاجات بسیاری از امام رضا(ع) نقل شده که بیشتر آنها در مسئله توحید و سپس امامت است. یکی از جلسات مشهور امام رضا(ع)، جلسه مناظره بزرگان و اندیشمندان ادیان گوناگون با ایشان در دربار مأمون و در حضور وی بوده است. در این جلسه طولانی که به دعوت و درخواست خلیفه سامان یافته بود و بزرگ نصارای شرق (جائلیق)، بزرگ یهود (رأس الجالوت) و بزرگان صابیان و زرتشتیان و نیز قسطاس رومی و جمعی از متکلمان در آن شرکت داشتند، امام(ع) تنها با استناد به کتاب های خود ایشان، نظیر تورات و انجیل با ایشان بحث کرد و آنان را مجاب ساخت(عیون اخبارالرضا، ج ۱: ۱۵۴).

۶. فراخوان به تفکر و تعقل

امام رضا علیه السلام در جلسات مناظره خود همواره دعوت به تفکر و تعقل داشتند چرا که من تفکر ابصر (نهج البلاغه، نامه ۳۱). کسی که تفکر کند بصیر می شود. در این کلام حضرت تاکید می نمایند که هر فردی اگر خواست به بصیرت برسد باید تفکر نماید. حضرت رضا علیه السلام به عمران صابی می فرمایند: "در آنچه گفته شد نیک بیندیش و آنچه را صواب و حق دانستی، معیار گفتگو قرار ده ..." (عیون اخبارالرضا، ج ۱: ۱۷۰).

ملاحظه می گردد که امام(ع) متکلم خراسان را به ژرف اندیشی و دانایی فرا می خواند و هرگونه سطحی نگری را نادرست می شمارد. در این فراز امام می خواهد چارچوبهای بسته ذهنی او را بشکند و راه آزاد فکری و نواندیشی را بر او بگشاید و او را به بررسی و ارزیابی مجدد اندیشه هایش برانگیزد.

از شرایط اصلی گفتگوهای نتیجه بخش علمی در مناظره ها عقل گرایی است. یعنی معیار و

ملاک اصلی باید شناخت و درک عقل آزاد و خالص انسانی باشد. زیرا از جمله اموری که مانع گفتگوی علمی و پذیرش گفته هاست، جزم گرایی است. اگر جزمیت و بسته ذهنی بر اندیشه ای حاکم شد گفتگوی علمی و مناظره راه به جایی نخواهد برد و "جدال احسن" صورت نخواهد گرفت و تحول فکری پدید نخواهد آمد. بنابراین در برابر افراد جزم اندیش در گام نخست باید بسته ذهنی را شکست چرا که مانع از بررسی آزاد و بی طرفانه آرا و افکار است (حکیمی، ۱۳۹۵: ۸۷).

۷. شاگرد پروری

از دیگر تلاش های امام رضا(ع) در راستای بصیرت افزایی می توان توجّه به ارتقای علمی شاگردان را دانست. در دوران امامان متأخر، بخش قابل توجهی از روایان حدیث، به صورت غیر مستقیم از امامان پیشین روایت می کردند. در شمار روایان امام(ع)، فقیهان و حدیث شناسان بزرگی دیده می شوند. توجّه ویژه امام(ع) به اندیشه های روایان در فقه و کلام، بسیار ستودنی است. برای نمونه، امام(ع) در ضمن پرسش از یونس بن عبد الرحمان، دانش وی را در مبحث جبر، تفویض و اراده می آزماید و سپس صحیح آن را به وی می آموزد. یونس، در یادکرد پایان این جلسه می گوید: از او اجازه خواستم که سرش را ببوسم و گفتم: دریچه ای را بر من گشودی که از آن غافل بودم (الکافی، ج ۱: ۱۵۸).

۸. تمسک به قرآن کریم

با توجه به آیه ۲۰ سوره مبارکه جاثیه، قرآن در تمام زمینه های فکری، اخلاقی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و خانوادگی وسیله بصیرت است (قرآنی، ۱۳۸۹، ج ۸: ۵۲۸). قرآن کریم در اندیشه، گفتار و کردار اهل بیت تجسم و عینیت تمام یافته است و سیره کریمانه و سخن حکیمانه آنان مستقیم یا غیر مستقیم روشننگر کتاب الهی در ابعاد گوناگون آن است. از این رو یکی از رسالت های مهم امامان معصوم، تبلیغ دین، بیان احکام و تفسیر قرآن بوده است. میراث قرآنی و تفسیری باقیمانده و ارزشمند از وجود مبارک امام رضا علیه السلام از نمونه های اعلا و عظیم ذخایر قرآنی معصومان است و از آنجا که حکمت خداوند متعال همواره اقتضا کرده انسان را در پهنه طبیعت بی راهبر رها نکند میراث قرآنی را در میان خاندان نبوت دست به دست نموده تا به هشتمین اختر تابناک آسمان امامت و ولایت حضرت امام علی بن موسی الرضا علیه السلام رسید (بحرانی، ۱۱۰۹: ۱۹ به نقل از سلطانی رنایی، ۱۳۸۵).

تعامل حجت هشتم الهی با قرآن بسیار درس آموز است. ابراهیم بن عباس از یاران و روایان

حضرت رضا علیه السلام در تبیین رفتار حضرت با قرآن می‌گوید:

امام رضا علیه السلام کل قرآن را در مدت سه شبانه روز تلاوت می‌کرد و بارها به یاران خود می‌فرمود: اگر می‌خواستم قرآن را در کمتر از این زمان تمام می‌کردم ولی روش من چنین است که هیچ یک از آیه‌های قرآن را نمی‌خوانم مگر این که در آن اندیشه می‌کنم که در چه زمینه‌ای و در چه زمانی نازل شد و بدین سبب است که قرآن را در سه شبانه روز به پایان می‌رسانم و باز هم او می‌گوید تمام سخنان امام رضا علیه السلام، اندرزهایی که به اشخاص میداد و وصایایی که می‌فرمود همه آنها برگرفته از آیات قرآن بود (عیون اخبار الرضا، ج ۲: ۴۲۰). ریان بن صلت از حضرت رضا علیه السلام پرسید نظر شما درباره قرآن چیست؟ امام فرمود: قرآن کلام خداست. از آنچه او گفته است فراتر نروید و هدایت را در غیر او نجوید که گمراه می‌شوید (بحار الانوار، ۱۴۰۳، ج ۹۲).

محمدبن موسی رازی از پدرش روایت کرده که یکی از روزها در محضر حضرت رضا علیه السلام سخن از قرآن به میان آمد. امام فرمودند: "قرآن ریسمان محکم، دستاویز استوار و آیین برتر خدا در میان بندگان است به سوی بهشت راهبری می‌کند و از دوزخ رهایی می‌بخشد. در اثر گذشت زمان کهنه نشده و با تکرار بر زبان‌ها از ارزش و اثر بخشی آن کاسته نمی‌شود. زیرا خداوند آن را برای زمان خاصی قرار نداده است بلکه حجت و برهان برای همه انسان‌ها در سراسر زندگی شان است و نه از پیش رو نه از پس، باطل به آن وارد نخواهد شد فرود آمده‌ای از سوی خداوند حکیم و ستوده است" (مسند الامام الرضا، ج ۱: ۳۰۷). بخش عمده‌ای از گفتار و سیره حضرت رضا علیه السلام غیر مستقیم به شرح، تبیین و عینیت بخشیدن کتاب خدا اختصاص دارد. آنچه از ایشان در ابواب مختلف فقه آمده است به گونه‌ای تفصیل آیات، احکام و اوامر و نواهی الهی است. یا آنچه درباره توحید، نبوت، امامت، معاد ایمان و کفر و دیگر مسائل اعتقادی به جای مانده است شرح و بسط معارف اعتقادی قرآن است. آداب، اخلاق و منش کریمانه امام رضا علیه السلام نیز توضیح آیه‌های اخلاقی قرآن می‌باشد (احسانی، ۱۳۸۷).

ب. ارائه راهکارهای منبعث از شیوه‌های امام رضا(ع)

دوران امامت امام رضا علیه السلام دوران پر واقعه‌ای است که شباهت‌هایی با دوران ما و وقایع پیچیده آن دارد. بنابراین روش‌های امام رضا(ع) می‌تواند الگوی مناسب برای افرادی باشد که

می خواهند راه نورانی حضرت را ادامه دهند. برای اینکه بتوان از شیوه های مواجهه امام رضا علیه السلام با جریان فتنه الگو گرفت و راهکار متناسب با عصر حاضر ارائه داد، ابتدا باید این مشابهت‌ها را از ابعاد مختلف بررسی کرد. در جدول ذیل این مشابهت‌ها به شیوه تطبیقی، مقابله و استنتاج شده است.

اهداف جنگ ترکیبی	مصادیق آسیب‌ها و اهداف واقفیه
سلب اعتماد نسبت به نظام اسلامی	سلب اعتماد نسبت به امامت امام رضا(ع)
انحراف خواص در فتنه ۸۸	فریب خوردن خواص در جریان واقفیه
تحریم اقتصادی اعلام فراخوان های عدم خرید و تهدید کسبه	تلاش برای تضعیف اقتصادی امام و خواص شیعه با مصادره اموال پیشین و جلوگیری از ارسال اموال جدید از سوی جامعه فریب خورده
استفاده از افراد معروف جهت فریب جوانان در راستای جذب حداکثری جریان معاند	جذب چهره های مشهور اعم از وکلا و علما و تقویت اعتمادسازی اجتماعی

جدول ۱. مقایسه اهداف جریانهای مخالف دوره امام رضا(ع) و عصر حاضر

ملاحظه می گردد با توجه به مشابهت های یاد شده به درستی می توان از مواضع راهبردی امام علیه السلام الگو گرفت. مطالعه این وقایع و الگوی مدیریت بحران امام رضا به جامعه دینی می آموزد اولاً از پدیده‌ی طبیعی ریزش‌ها در جامعه‌ی دینی (خصوصاً ریزش خواص) و فتنه‌های ناشی از آن‌ها نهراسد و ثانیاً آموخت که چگونه با این فتنه‌ها مواجه شود و چگونه در آغاز، با در پیش گرفتن سیاست‌های نرم افزاری، سعی در جذب و بازگشت خواص و عوام شیعه به سوی حق داشته باشد و آنگاه که همه‌ی سیاست‌های جاذبه‌ای اجرا شد، با اجرای سیاست دافعه‌ای، به مرزبندی بین پس مانده‌های جریان فتنه با جامعه‌ی حق پردازد.

بنابراین ابتدا باید با تاسی از روش امام (ع) به بازخوانی مبانی معرفتی اسلام بر اساس منابع اصیل اسلامی پردازیم. همان گونه که امام رضا علیه السلام در مواقع گوناگون از جمله در حدیث سلسله الذهب به تبیین جایگاه ولایت و امامت، پرداختند. با توجه به تعدد مکاتب فکری و گروه های کلامی منحرف در آن دوران، امام(ع) به برپایی حلقه های حدیث اقدام کردند و با جعل حدیث به مقابله پرداختند. در این دوران هم که بازار انواع دروغ پردازیها و شایعات و عرفان های کاذب داغ است اتخاذ راهبردهای فکری و معرفتی و پرورش تفکر انتقادی از ضروریات است. استفاده صحیح از قدرت رسانه و ایجاد شبکه های قوی از نیروهای زبده و پرورش و جذب

افراد مستعد، راهبرد تبلیغاتی مهمی است که به تاسی از اقدامات امام رضا(ع) در راستای شاگردپروری و جذب و فعال سازی برخی خواص عالم و محدث در جغرافیای نفوذ جریان منحرف قابل الگوگیری است. اینجاست که نقش معلمین و مبلغین و استادان به وضوح دیده می شود. همچنین امام علیه السلام با بهره گیری از جلسات مناظره عمق استراتژیک خود را گسترش دادند و با تاکید بر تولی و تبری مرزبندی دقیقی را جهت عدم اختلاط و التقاط فکری فرهنگی ایجاد فرمودند. امروزه هم می توان با ملاک روشنی که امام (ع) در حدیث "شیعیان ما تسلیم امر و ولایت ما هستند به گفته ما عمل می کنند و دشمنان ما را دشمن می دارند و در غیر این صورت پیرو ما نخواهند بود" (مسندالامام الرضا، ج ۱: ۲۳۵)، در اختیار ما قرار داده اند چهره نفاق را شناخت و شناساند. وقتی تمامی این راهکارها را کنار هم رصد کنیم می توان همه را در یک عنوان کلی "جهاد تبیین" ارائه داد که رهبر فرهیخته انقلاب از سالها قبل بر آن تاکید داشته اند. مجموع یافته های پژوهش در مدل مفهومی زیر آورده شده است.



راهکارهای منبعث از اقدامات امام رضا (ع) → روشهای بصیرت افزای امام رضا(ع)

نتیجه گیری

از ابتدای امامت و حضور امامان شیعه همواره بحران هایی شکل می گرفت. از جهت گونه شناسی، این فتنه ها یا رویکرد ضد خط ولایت داشتند (همانند سقیفه) و یا تلاشی برای موج سواری بر آن با ایجاد تحریف آن بود (همانند غالیان) و یا اقدامی بود برای مصداق سازی به جهت تصرف امتیازهای آن (همانند ادعای امامت برخی علویان) که مدعی امامت شدند. در این میان آخرین و خطرناک ترین بحران ها برای جامعه شیعه بحران و فتنه واقفیه در دوران امام رضا(ع) بود. این فتنه در یک تحلیل متعارف، بسیار مشابه دوران ماست. در این پژوهش تلاش شد با روش تاریخی، روشهای مواجهه امام رضا(ع) با فتنه شناسایی و طبقه بندی گردد. سپس با روش تطبیقی اهداف جریان مخالف آن دوران با اهداف جنگ ترکیبی حال حاضر مقایسه گردد و راهکارهای مواجهه با جنگ ترکیبی امروز به تاسی از امام رضا(ع) استخراج گردد. تبیین جایگاه امامت و ولایت، تاکید بر تولی و تبری، تاکید بر نشر احادیث مستند و برپایی حلقه های حدیث، ایجاد شبکه تبلیغی، مناظره، دعوت به تفکر و تعقل و تمسک به قرآن کریم، به گواهی تاریخ و روایات رسیده از جمله اقدامات امام رضا(ع) میباشد که همگی از مهمترین مولفه های بصیرت افزایی است. در این راستا، راهبردهای فکری معرفتی به ویژه فهم و درک صحیح آیات الهی قرآن کریم و انس با آن بسیار ضروری است. یکی از راه های پیدا کردن بصیرت در تمامی ابعاد آن (دینی و اعتقادی، اخلاقی و سیاسی)، فهم و تعلیم قرآن کریم است. همچنین شناخت مبانی ولایت و ولایت پذیری بسیار مورد تاکید است. راهبرد تبلیغاتی از جمله شبکه سازی، تبیین درست وقایع تاریخی گذشته و روایات انقلاب و راهبرد عملیاتی نظیر رعایت اصل تولی و تبری، قابل تاسی از حجت هشتم الهی در دوران امروز است که همه آن ها در ظرف "جهاد تبیین" می گنجد.

پیشنهاد می گردد

مفهوم تولی و تبری در مقاطع مختلف تحصیلی متناسب با نیاز مخاطب تبیین گردد و در این زمینه با تکیه بر حیطه های شناختی و عاطفی، رفتار سازی صورت پذیرد. ایجاد تحول در برنامه های آموزش قرآن کریم در مدارس و سایر مراکز فرهنگی آموزشی با تاکید بر حیطه عاطفی جهت ایجاد انس با کلام الله مجید به عنوان زمینه ای در راستای درک مفاهیم و عمل به آن ها به عنوان منبع اصلی بصیرت آفرینی.

تفکر و تعقل به عنوان محوری ترین عنصر در هدف گذاری های تربیتی آموزشی در نظر گرفته شود و انواع تفکر به خصوص تفکر انتقادی در کودکان و نوجوانان ارتقا یابد. جهاد تبیین به عنوان مهمترین استراتژی خشی سازی اقدامات جریان مخالف، در دستور کار کلیه نهادهای آموزشی فرهنگی و گروه های نخبگانی قرار گیرد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- قرآن کریم.
 نهج البلاغه.
 ابراهیم زاده آملی، عبدالله (۱۳۸۸). ولایت‌مداری و بصیرت دینی، حصون، ۲۲.
 ابراهیم نژاد، محمدرضا (۱۳۹۳). بررسی تولی و تبری در اسلام و مهجوریت آن در امت اسلامی، سراج
 منیر، ۱۶.
 ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۲). عیون اخبار الرضا (ع)، ترجمه حمیدرضا مستفید، علی اکبر غفاری، ج ۲،
 تهران: دارالکتب الاسلامیه.
 احسانی، محمد (۱۳۸۷). زبان قرآن و تعلیم و تربیت، معرفت، ۱۳۰.
 آقاپیروز، علی (۱۳۹۱). شاخصهای بصیرت در رهبری امام خمینی، مطالعات انقلاب اسلامی، ۲۹.
 ایمانی فر، حمیدرضا (۱۳۹۸). تبیین رابطه بصیرت و تقوا از دیدگاه قرآن کریم، بصیرت و تربیت اسلامی، ۴۸.
 بحرانی، سیدهاشم (۱۱۰۹ق). البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۱، موسسه الاعلمی.
 برهان، مهدی (۱۳۹۰). شاخص‌ها و مولفه‌های بصیرت سیاسی، معرفت سیاسی، ۱.
 ترنر، مایکل (۱۳۹۴). علل شکست اطلاعات سری، دانشکده اطلاعات: تهران.
 حسین‌زاده، جواد و پوریوسف، سیاوش (۱۳۹۴). بصیرت و کارکردهای آن از منظر قرآن کریم، بصیرت و
 تربیت اسلامی، ۳۶.
 حکیمی، محمد (۱۳۹۵). امام رضا علیه السلام و روش در گفتگوهای علمی، بنیاد پژوهشهای اسلامی: مشهد.
 خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۲). بیانات در اجتماع لشکر ۲۵ کربلا در مازندران، حوزه نیوز.
 خمینی، روح الله (۱۳۷۹). صحیفه نور، چاپ دوم، طبع و نشر.
 خویی، ابوالقاسم (۱۳۳۸). معجم رجال الحدیث، نشر دفتر آیت الله خویی: قم.
 دلاور، علی (۱۳۹۱). روش تحقیق در روانشناسی و علوم تربیتی، نشر روان: تهران.
 رضایی، محمد (۱۳۹۷)، راسخون.
 سعیدی شاهرودی، علی (۱۳۸۸). حاکمیت دینی اصول و مبانی، نشر زمزم هدایت وابسته به پژوهشکده
 علوم اسلامی امام صادق (ع).
 سلطانی رانی، سیدمهدی (۱۳۸۵). قرآن در بینش امام رضا (ع)، فرهنگ کوثر، ۶۷.
 شمولی، همت‌اله؛ رشید، موسی و یعقوبی، حسین (۱۳۹۴). بصیرت‌گرایی و بصیرت‌افزایی راهبردی اساسی
 در مقابله با جنگ نرم، بصیرت و تربیت اسلامی، ۳۵.

شیخ صدوق (۱۳۸۵). علل الشرایع، تحقیق سیدمحمدصادق بحرالعلوم، نجف، مکتبه حیدریه.

عباسی خراسانی، هادی (۱۳۹۷). حوزه نیوز.

قرائتی، محسن (۱۳۸۹). اصول عقاید، ج ۸، تهران: مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن.

کلینی، محمدبن یعقوب (۱۳۶۹). اصول کافی، ج ۴، ترجمه هاشم رسولی و جواد مصطفوی، تهران: اسلامیه.

گلن، ولز. لیلندی، مرن. دان، فلیپ (۱۳۹۳). ضد اطلاعات و حفاظت عملیاتی، تهران: دانشگاه اطلاعات.

مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳). بحار الانوار، بیروت: موسسه الوفاء.

محدثی، جواد (۱۳۹۰). حکمتهای صادقی، چاپ اول، نشر آستان قدس رضوی.

محدثی، جواد (۱۳۹۱). حکمتهای رضوی، چاپ سوم، نشر آستان قدس رضوی

مصلائی پور، عباس و محمدی، مروت (۱۳۹۳). معاشناسی بصیرت در نهج البلاغه، کتاب قیم، ۱۰.

مظفری، آیت (۱۳۹۸). عوامل و موانع بصیرت، همایش سراسری دانشگاه افسری: جوانان و بصیرت در

پاسداری از ارزشهای انقلاب اسلامی، تهران.

میرباقری، سیدمحمد مهدی (۱۳۹۶). ولایت الهیه ۲: نگرشی بر جایگاه امامت در نظام خلقت، نشر تمدن

نوین اسلامی، چاپ اول.

Mirbagheri.ir میرباقری، سید محمد مهدی (۱۳۹۹).

مطهری، مرتضی (۱۳۹۳). حکمتهها و اندرزها، نشر صدرا، چاپ ۱، به نقل از سایت اهل البیت علیهم السلام.

مطهری، مرتضی (۱۳۷۵). ده گفتار، چاپ یازدهم، قم: نشر صدرا.

مطهری، مرتضی (۱۳۷۶). تعلیم و تربیت در اسلام، تهران: نشر صدرا.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی